

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۲ مارچ ۲۰۱۷

سفر ستراتیژیک ملک سلمان به جنوب شرق آسیا



ملک سلمان شاه عربستان سعودی

ملک سلمان شاه کنونی عربستان سعودی عکس اسلاف خود که کمتر از کشور خارج می شدند و برای خود قدسیت مافوق همه قابل بودند، به سفر هائی آغاز نمود که عصر نوینی را در سیاست خارجی کشورش تبارز می دهد. سلمان به مالیزیا، اندونیزیا و چین با ۱۵۰۰ تن همراه و حمل ۴۵۹ بکس، سفری نمود که برای عربستان سعودی ارزش ستراتیژیک دارد. دلایل سفر هم داخلی است و هم خارجی. عربستان مصمم است که به اقتصاد خود تنوع ببخشد و اتکای خود را از منبع عایداتی تیل و گاز کاهش داد. عربستان ضرورت دارد که کشور های شرق دور بالاخص چین، اندونیزیا و مالیزیا را که در سه دهه اخیر آهنگ سریع رشد اقتصادی داشته اند، در عربستان سرمایه گذاری نمایند و پروژه های بزرگ اقتصادی و صنعتی را درین کشور راه اندازی کنند و تجارب موفقیت خود را در اختیار سعودی ها قرار دهند. عربستان هم تصمیم دارد که پول مازاد خود را که تا اکنون در امریکا و سایر کشور های غربی سرمایه گذاری و یا ذخیره نموده است، در کشور های جنوب شرق آسیا سرمایه گذاری و یا ذخیره کند تا از فشار احتمالی اقتصادی و سیاسی واشگگتنن رهائی یابد. عربستان دروازه های خود را به روی این کشور ها در استفاده از مواد خام خاصاً تیل باز خواهد گذاشت. این بهترین فرصت برای چین است که خوابش را تا ده سال قبل هم نمی دید. برقراری روابط ستراتیژیک بین عربستان و کشور های شرق دور به یک واقعیت نزدیک شده است. تنش ریاض با تهران موضوع دیگری بود که بین ملک سلمان و زعمای کشور های چین، مالیزیا و اندونیزیا مطرح بحث قرار گرفت. عربستان خواهان پشتیبانی این کشور ها در رویارویی با ایران است.



ملک سلمان با اکیسی ژین پیگ رئیس جمهور چین

سفر ملک سلمان به شرق دور هم سیاسی بود و هم اقتصادی. تا قبل از جنگ ۱۹۶۷، مصر پیش قراول جهان عرب بود. لکن در اثر جنگ شش روزه بین اسرائیل و اعراب و غلبه قاطع نظامی اسرائیل، مصر مقام رهبری را از دست داد. تا زمان تجاوز اول امریکا به عراق در سال ۱۹۹۱، صدام حسین کم و بیش صدای رهبری جهان عرب را بلند می کرد. لکن به تجاوز ناعاقبت اندیشانه خود به کویت که غیرمستقیم اشاره امریکا را در به دام انداختنش هم داشت، صدام حسین عراق را به تباهی کشانید که با تجاوز دوم امریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ به اوج خود رسید. هر زمانی که یک قدرت جهان عرب مضمحل می شد، جایگاه منطقه ئی عربستان به کمک امپریالیسم غرب تقویت می گردید. سرانجام بهار عرب دو قدرت دیگر عرب مانند لیبیا و سوریه را از پای در آورد و رقیبی باقی نماند که جلو تاخت و تاز و رهبری عربستان را در جهان عرب بگیرد. باید یاد آور شد که عربستان سعودی با همکاری امپریالیسم غرب در اضمحلال هر سه کشور رقیب، عراق، لیبیا و سوریه دست داشته است. کودتای ال سیسی در مصر و مقاومت بشار اسد در مقابل نیرو های اهریمنی داعش و النصره نقطه پایان به بهار عرب گذاشت، اما توازن قواء به نفع ریاض در حال تغییر خوردن است. زعامت در ریاض اکنون به این فکر افتاده است که نه تنها منحصیث یک قدرت بزرگ جهان عرب، بلکه همچنان محل عبادت مسلمین سیاست خارجی خود را طوری عیار کند که با نیازمندی های عربستان و منطقه هم آهنگ باشد.



ملک سلمان با جوکو ودودو رئیس جمهور اندونیزیا

سرمایه گذاری های ستراتیژیک در آسیا و عربستان یکی از اهداف سفر ملک سلمان بود تا بتواند به اقتصاد این کشور تنوع بخشد و از اتکای کامل به عایدات ناشی از فروش تیل خاتمه دهد و عربستان را از وابستگی کامل غرب برهاند. ریاض می خواهد که با باز شدن مارکیت کشور های پیشرفته اسلامی در شرق دور مانند مالیزیا و اندونیزیا راه را به

سوی چین باز کند که این کشور به مواد خام و تیل عربستان نیازمند است. عربستان سعودی سعی دارد که صدور اموال و سرمایه‌گذاری چین در عربستان سعودی افزایش یابد، آنهم در روز هائی که واشنگتن در سردرگمی به سر می‌برد که دوست و دشمن را در حالت سرگیچی و ابهام قرار داده است. اگر توافقات بین عربستان و کشور های مورد نظر حاصل شود، تریلیون دالر در این معاملات مهم بالا و پائین خواهد رفت و همه جوانب ذیدخل در معامله از آن بهره خواهند گرفت. دو کشور بزرگ اسلامی مالیزیا و اندونیزیا در دو دهه اخیر از رشد اقتصادی متوازن و قابل ملاحظه ای برخوردار بوده اند که می‌توانند عربستان را در بسا ساحات و پروژه های اقتصادی مشوره بدهند و معاونت نمایند. چین که در حال تبدیل شدن به یک قدرت معظم جهانی است، می‌تواند عربستان سعودی را در سرمایه‌گذاری صنعتی و نظامی کمک کند و بدیل احتمالی امریکا شود. به تاریخ ۱۶ مارچ سال جاری، حین سفر ملک سلمان به چین، قرار داد های مهمی بین عربستان سعودی و چین به امضاء رسید که ۶۵ میلیارد دالر ارزش دارد. عربستان سعودی در جست و جوی افزایش فروش تیل خود به چین است که دومین بازار جهانی تیل را تشکیل می‌دهد. خرید تیل عربستان از جانب امریکا در چند سال اخیر نسبت کشفیات جدید چاه های تیل در این کشور، استفاده از ایتانول (Ethanol) و اختراع موتر های برقی تقلیل یافته است. از اینرو، عربستان درصدد یافتن بازار های جدید برای فروش تیل خود است، در غیر آن عربستان سعودی کدام عاید دیگری نخواهد داشت که به آن متکی شود. چین پهناور و بازار وسیعش می‌تواند بهترین بدیل برای عربستان باشد. پیشرفت سریع صنعتی و نظامی چین و علاقه مندی عربستان در خریداری از تکنالوژی نظامی این کشور، چین را وارد رقابت تسلیحاتی در شرق میانه خواهد کرد که سایر کشور های امارت نشین منطقه هم به پیروی از ریاض به خریداری اسلحه چین اقدام خواهند نمود.

در امضای یک تفاهمنامه، شرکت های دولتی ارامکوی عربستان و گروه صنعتی شمال چین به موافقت رسیده اند که تصفیه خانه ها و کارخانجات پتروشیمی در هر دو کشور اعمار گردد. در این معامله بزرگ اقتصادی، عربستان قادر خواهد شد که بازار وسیعی را برای فروش تیلش برای مدت طولانی به دست آورد و اقتصاد و منبع عایداتی خود را متنوع بسازد و از فشار سیاسی و اقتصادی غرب بکاهد. قابل تعجب این که، چین در عربستان به سرمایه‌گذاری نظامی هم اقدام خواهد کرد و در قدم اول تولید طیارات بی پیلوت درون مدنظر خواهد بود. عربستان همچنان به خریداری تانک ها و طیارات جنگنده چین علاقه مندی نشان داده است که شاید در آینده بین این دو کشور تفاهماتی در این خصوص خلق گردد.



ملک سلمان با نجیب رزاق صدر اعظم مالیزیا

در ساحه سیاسی، عربستان منحيث "رهبر جهان عرب" در یک تنگنای ستراتیژیک واقع شده است. نگرانی جیوپولیتیک ملک سلمان ماورای تضعیف احتمالی حمایت امریکا از این کشور قرار دارد. عربستان در یک نبرد همه

جانبه با ایران دست و پنجه نرم می کند و برای این منظور در جست و جوی "متحدین جدید" در سطح دنیائی است. کشمکش مذهبی و سیاسی با ایران، برای فامیل حاکم اهل سعود بسیار نگران کننده است. دو کشور اسلامی اندونیزیا و مالیزیا از نظرگاه ریاض می تواند عربستان را در رویارویی با ایران کمک کنند و یاری رسانند. از زمان تأسیس رژیم ارتجاعی ایران، این کشور بدیل دیگر نظام اسلامی را به پیروان خود پیش کش نموده است: نظام انقلابی اسلامی با تظاهر انتخاباتی که مدل مطلقیت عربستان را به مبارزه طلبیده است. بدیل ایران با نفوس بیشتر، زیربنای صنعتی بهتر و بازار وسیع، عربستان را در دست و پاچگی قرار داده است که چگونه بتواند این خلا ها را پر کند. نبرد حماسی بین این دو کشور بر سر رهبری جهان اسلام نه تنها جهانی خواهد بود، بلکه شامل تسخیر قلب و ذهن همه مسلمانان در جهان خواهد گردید. انتخاب مالیزیا و اندونیزیا برای عربستان این امیدواری را می دهد که در جهان سنی مذهب دور از شرق میانه، در رویارویی با ایران تنها نخواهد ماند و حامیان با ارزشی در سطح دنیائی خواهد داشت. باوجودی که این دو کشور مسلمان جنوب شرق آسیا، تعهدی با عربستان در خصوص حمایت از این کشور علیه ایران نبسته اند، امیدواری ریاض در این است که سفر ملک سلمان تأثیر شگرفی در تغییر طرز دید رهبران مالیزیا و اندونیزیا پدید آورد و این دو کشور را برای نبرد آینده با ایران به سوی ریاض بکشاند. ناگفته نباید گذاشت که رقم درشت سفرحجاج مالیزیائی و اندونیزیائی هر سال به عربستان غرض ادای فریضه حج، در روابط آینده این دو کشور بی تأثیر نخواهند ماند و ریاض از این تعامل مذهبی برای اعمال نفوذ خویش در تصمیم گیری سرنوشت ساز این دو کشور استفاده خواهد کرد.

عربستان از چین می خواهد که نقش بزرگتری را در شرق میانه بازی نماید و حضورش را دایمی سازد. مستشعر از دورنمای تاریک در روابط ریاض و ایران، چین سعی خواهد کرد که روابطش با عربستان سعودی صرفاً اقتصادی باشد نه سیاسی. از نظر گاه ستراتیژیک، ایران برای چین مهم تر از عربستان سعودی است. تهران، بیجینگ و مسکو اکنون تقریباً در یک جبهه علیه امریکا صف آرائی نموده اند. باوجودی که چین مانند روسیه گرفتاری جدی در سوریه ندارد، اما بعید نیست که سوریه یکی از جا هائی گردد که بیجینگ و ریاض را در آینده در تقابل قرار دهد. بنابراین برای زعامت چین مصلحت نیست که در روش ضد ایرانی ریاض جانب عربستان سعودی را بگیرد و این کشور را جانشین ایران بسازد. ناگفته نباید گذاشت که بعد از رفع تعزیرات اقتصادی، ایران فرمایش ۱۵۰ طیاره جنگنده جی - ۱۰ (J-10) را به چین داده است که با به دست آوردن این طیارات، قابلیت دفاعی و تعرضی ایران طور بی سابقه ای بالا خواهد رفت. این معامله نظامی حتا اسرائیل را هم نارام ساخته است که مبدا تعادل قواء در منطقه به نفع ایران تغییر بخورد. این نگرانی مشترک تل ابیب و ریاض در مقابله با ایران است.

سیاست خارجی عربستان سعودی وارد مرحله جدیدی شده است. این کشور مانند دهه های گذشته از سیاست منطقه و جهان منزوی باقی نخواهد ماند. همچنان حاکمان سعودی در تعاملات دنیائی با جهان اسلام و غیر اسلام قدسیت قبلی را خواهند داشت. عربستان سعودی باید خود را برای جهان قرن ۲۱ آماده سازد که دانش و فرهنگ و اقتصاد مستحکم اجباراً زیر بنای آن جامعه خواهد شد که تا کنون مورد توجه زعامت ریاض نبوده است.